شرایط عینی برای انقلاب سوسیالیستی

بارزترین خصیصه ی اوضاع سیاسی جهان، به طور کلی، بحران تاریخی رهبری پرولتاریاست.

شرایط اقتصادی لازم برای انقلاب پرولتاریائی، به طور کلی، و به این زودی، به عالی ترین نقطه ی باروری که ممکن است در دوران سرمایه داری به رسد، دست یافته است. نیروهای تولیدی انسان راکد مانده اند. اختراعات و پیش رفت های جدید دیگر قادر به بالا بردن سطح ثروت مادی نیستند. در شرایط بحران اجتماعی کل دستگاه سرمایه داری، بحران های ادواری، محرومیت ها و زیان های هر چه شدیدتری را بر گُرده ی توده ها تحمیل می کنند. رشد میزان بیکاری، به نوبه ی خود، بحران مالی دولت را عمیق تر کرده، سیستم های متزلزل پولی را تهدید می کند. نظام های دموکراتیک نیز مثل نظام های فاشیستی، از یک ورشکسته گی، به ورشکسته گی دیگر، غلت می خورند.

بورژوازی، خود، راه چاره ای نمی یابد. بورژوازی، در کشورهائی که مجبور شده داروندار خود را بر روی تک خال فاشیزم شرط بندی کند، اکنون چشم بسته دارد به سوی فاجعه ی اقتصادی و نظامی یله می شود. در کشورهائی که از نظر تاریخی ممتاز هستند، یعنی کشورهائی که در آن ها بورژوازی هنوز می تواند برای مدتی معین، به قیمت اندوخته های ملی، به

www.hks-iran.com

خود اجازه ی داشتن تجملی به نام دموکراسی را به دهد (بریتانیای کبیر، فرانسه، ایالات متحده و غیره)، تمام احزاب سنتی سرمایه در موقعیتی سردرگم به سر می برند، و دیری نمانده است که اراده شان فلج گردد. برنامه ی "نیودیل[1]" به رغم خلل ناپذیر بودن متظاهرانه اش، در مرحله ی نخستین، تنها، شکل ویژه ای از سردرگمی سیاسی را در برابر ما عرضه می کند، سردرگمی که فقط در کشوری پا به عرصه ی وجود می گذارد که در آن بورژوازی موفق به انباشتن ثروتی بی حساب شده باشد. بحران حاضر، بی آن که حتی توانسته باشد مسیر کامل خود را طی کند، عملاً نشان داده است که سیاست "نیودل"، مثل سیاست جبهه ی ائتلافی در فرانسه، راهی به دهی ازین بن بست اقتصادی نیست.[2]

---

[1]- نیودیل new deal طرحی بود که کابینه ی فرانکلین دلا نو روزولت- رئیس جمهور آمریکا در سال های ۴۵-۱۹۳۲ برای مقابله با مسائل اقتصادی ناشی از بحران اقتصادی ۱۹۲۹ و نیز مسائل سیاسی ناشی از رادیکال شدن طبقه ی کارگر، اتخاذ کرد. کابینه ی روزولت، اقدامات مختلف التیام بخش واصلاحاتی قانونی نظیر قانون بهبودی ملی National Recovery Act ارائه داد. طرح اصلاح طلبانه نیودیل فرصتی به دست طبقه ی سرمایه دار داد تا ضمن تظاهر به اعطای حقوق معینی به طبقه ی کارگر، عملاً این حقوق را به شدت محدود کند.

در سال ۱۹۳٦، حزب کمونیستآمریکا از حکومت روزولت به عنوان نسخه ی آمریکائی حکومت جبهه ی مردم (به یادداشت شماره ۲مراجعه کنید) حمایت کرد و از این طریق به روزولت کمک کرد تا جنبش کارگری را، در زمانی که گرایش زیادی برای ایجاد یک حزب مستقل کارگری وجود داشت، تحت انقیاد حزب دموکرات درآورد.

[2]- سیاست جبهه ی ائتلافی Popular Front، یا جبهه ی مردم People,s Front سیاست گردش به راست بین الملل کمونیستی (به یاداشت شماره ٦ مراجعه کنید) در سال ۱۹۳۵ بود. این سیاست عبارت بود از ایجاد حکومت های ائتلافی مرکب از احزاب کارگری و احزاب لیبرال سرمایه داری. در فرانسه در سال ۱۹۳٦، حکومت جبهه ی ائتلافی، در رأس رادیکالیزاسیونی که شامل اعتصابات نشسته (به یاداشت شماره ٤ مراجعه کنید) و سایر اعمال مبارزه جویانه بود، بر سر کار آمد. لئون بلوم Leon Blum از حزب سوسیالیست فرانسه، که نخست وزیر این حکومت بی دوام بود، سیاست شکستن اعتصاب را نسبت به طبقه ی کارگر فرانسه اتخاذ کرده، از یاری رساندن به کارگران و روستائیان اسپانیا، که در مرحله ی حساسی از تلاش ناموفق خود در برابر فاشیزم بودند، سرباز زد.

www.hks-iran.com

روابط بین المللی تصویری برتر از تصاویر فوق در برابر ما ترسیم نمی کند. تحت فشار روزافزون تلاشی سرمایه داری، خصومت های امپریالیستی با بن بست رو به رو می شود. در اوج این بن بست و بحران، برخوردهای جداگانه، و آشوب های خونین محلی (اتیوپی، اسپانیا، خاور دور، اروپای مرکزی)به ناچار باید درهم ادغام شوند تا شعله ای با ابعاد جهانی پدیدار گردد. البته بورژوازی از ضربه ای کاری که بروز جنگ جدید بر پیکر حاکمیت اش وارد خواهد کرد، آگاه است. ولی این طبقه، به درجات، ناتوان تر از سال ۱۹۱٤ است تا از بروز جنگ اجتناب کند.

حرف و سخن هائی از این مقوله که شرایط تاریخی هنوز برای ظهور سوسیالیزم "بارور" نشده، زائیده ی جهل و یا ناشی از فریب کاری عمدی است. شرایط عینی برای انقلاب پرولتاریائی نه تنها "بارور" شده، بلکه حتی از شدت "باروری" و رسیدگی تا حدی رو به فساد نهاده است. بدون انقلاب سوسیالیستی، و آن هم در دوران تاریخی بعد، تمام فرهنگ بشریت را فاجعه ای تهدید خواهد کرد. حالا دیگر نوبت پرولتاریا، یا بیشتر، نوبت پیشتاز انقلابی پرولتاریا است. بحران تاریخی بشریت به بحران رهبری انقلابی تقلیل یافته است.

□

www.hks-iran.com